

علمی پژوهشی

## تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم و ریشه‌های شکل‌گیری آن: مروری بر پژوهش‌های بازه زمانی

۲۰۱۰ الی ۲۰۱۷

طاها عشایری<sup>۱\*</sup>، علی میرزاپور<sup>۲</sup>

### چکیده

ترس از جرم به احساس ناامنی، دل‌نگرانی و اضطراب نسبت به امور جانی، مالی، روانی و اخلاقی اطلاق می‌شود. ترس، ریشه در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد و برخاسته از ناهمگونی قومی، مهاجرپذیری اجتماع و وجود محیط ناامن است. همراه با رشد زندگی شهری، افزایش جرایم با کاهش اعتماد اجتماعی و کاهش شعاع ارتباطات و پیوندهای اجتماعی مواجه هستیم. پژوهش‌های مختلفی درباره ترس از جرم صورت گرفته و این پژوهش قصد دارد علت جامعه‌شناختی وقوع ترس از جرم در سطح جهان را با استفاده از روش فرا تحلیل بررسی کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که محل سکونت (۰،۵۰۰)، تعلق و نوع قومیت (۰،۳۱۰)، تعلق جغرافیایی فرهنگی (۰،۷۰۰)، وابستگی مذهبی (۰،۴۱۰)، تجربه قربانی شدن (۰،۱۶۰)، ناشناختگی اجتماعی (۰،۴۳۰)، شبکه اجتماعی (۰،۳۱۰)، حمایت اجتماعی (۰،۴۷۰)، اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته (۰،۵۹۰)، رسانه‌ای شدن جرایم (۰،۴۸۰)، ساختار نظام خانواده (۰،۲۵۳)، مشاهده جرم (۰،۲۷۹)، ناهمگنی ساکنان (۰،۲۸۵)، سبک زندگی انتخابی (۰،۵۶۰)، تعهد مذهبی (۰،۲۶۰)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (۰،۴۰۴)، پنداشت از جرم (۰،۴۲۱)، احساس آسیب‌پذیری اجتماعی (۰،۴۳۱) و ناهمگونی نژادی اجتماع (۰،۴۹۱) دارای تأثیر معنی‌داری بر ترس از جرم بوده‌اند و همچنین مجموع این متغیرها ۵۷ درصد از تغییرهای ترس از جرم را تبیین می‌کنند.

تاریخ دریافت:

۱۷ دی ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش:

۲۶ فروردین ۱۴۰۵

کلیدواژه‌ها:

ترس از جرم؛ سبک زندگی؛ قومیت؛ حمایت اجتماعی؛ نظم اجتماعی.

### مقدمه و بیان مسأله

در ابتدا ترس از جرم به‌عنوان ابزاری برای شناسایی رقم سیاه جرم به‌کار می‌رفت. در سال‌های اخیر ادبیات علمی در خصوص ترس از جرم به‌سرعت در حال گسترش است، به‌گونه‌ای که میان سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۱۱ بیش از ۴۰۰ مقاله در مجلات معتبر پژوهشی منتشر شده است (سیدزاده‌ثانی، ۱۳۹۲: ۱۵). اولین نظرسنجی مهمی که در زمینه ترس از جرم انجام شد، به نظرسنجی عمومی درباره جرم مربوط می‌شود که به‌وسیله اعضای از هیأت گروه ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۶۷ تهیه شد. یافته‌های این نظرسنجی در یک جلد کتاب بزرگ تحت عنوان "چالش جرم در یک جامعه آزاد"

<sup>۱</sup>دانشیار جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران (نویسنده مسئول). t.ashayeri@uma.ac.ir  
<sup>۲</sup>دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. alimirzapour027@gmail.com

منتشر شد. این گزارش در استدلالی صریح ادعا کرد که ترس از جرم باعث فرسایش کیفیت زندگی آمریکایی‌هاست. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که ۴۳ درصد از افراد به هنگام شب در خیابان احساس ترس می‌کنند، ۳۵ درصد به دلیل ترس با همسایگان خود صحبت نمی‌کنند، ۲۱ درصد به علت ترس در هنگام شب از اتومبیل یا تاکسی استفاده می‌کنند. ۲۰ درصد از پاسخ‌دهندگان اظهار کرده‌اند که می‌خواهند محل سکونت خود را به دلیل ترس از جرم تغییر دهد. لی، همچنین بیان می‌کند چگونه این واژه، اعتبار تجربی و علمی به خود گرفته و به‌عنوان یک اصطلاح اجتماعی - فرهنگی برای تشریح عنصری از زندگی در اواخر عصر مدرنیته به کار رفته است. ترس اصطلاحی است که ابعاد فراگیری از احساس، دیدگاه‌ها و ارزیابی خطر را در برمی‌گیرد و برای افراد مختلف، تعاریف گوناگونی دارد. جرم یکی از ویژگی اجتناب‌ناپذیر تمدن بشری است. دورکیم بیان می‌کند که جرم امری بهنجار است؛ زیرا جامعه بدون جرم، امری محال و غیرممکن است. در این میان، ترس صرفاً یک پاسخی طبیعی به وجود جرم است. ترس از جرم عبارت است از واکنشی هیجانی از وحشت یا اضطراب ناشی از جرم یا نشانگان آن که شخصی را به جرم مربوط می‌کند. از نظر گارفالو (۱۹۸۷)، ترس از جرم، واکنش احساسی که خودش را با احساس خطر و نگرانی متعاقب که از خطر آسیب جسمی ایجاد می‌گردد. پین، ترس از جرم را دامنه وسیعی از احساسات و پاسخ‌گویی‌هایی عملی و عاطفی افراد جامعه نسبت به بی‌نظمی‌ها و جرایم اعمال‌شده در آن تعریف می‌کند (پین، ۲۰۰۰: ۳۶۶). ترس از جرم نیروی واقعی و قوی است که می‌تواند به زندگی مردم شکل خاصی ببخشد و پیامدهای ناخوشایندی برای افراد داشته باشد. مطالعات ترس از جرم به‌تازگی در علوم انسانی (حقوق و جامعه‌شناسی)، باب شده است. این واژه، تقریباً عمری ۴۰ ساله را طی می‌کند (هلوی و جفرسون<sup>۱</sup>، ۱۹۹۷؛ لودر، گرلینگ و سپارک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۸). ترس از جرم ناشی از رفتارهای رسانه نسبت به افکار عمومی است (هیث و پتریتیس<sup>۳</sup>، ۱۹۸۷؛ لیسکا و بگلینی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۰؛ اوکانل<sup>۵</sup>، ۲۰۰۲). ترس و نگرانی اشاره به قربانی شدن قبلی فرد از یک واقعه دارد؛ نه یک برداشت از احتمال قربانی شدن در آینده (گری، جسکون و فارل<sup>۶</sup>، ۲۰۰۱). ترس از جرم به‌طور گسترده در مطالعات جرم‌شناسی مطرح است (وار<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰: ۴۵۲) و تأثیر فراوانی بر روی اجتماع می‌گذارد (کاشمور<sup>۸</sup>، ۲۰۱۴) و منجر به افزایش نگرانی اجتماعی شده و

<sup>1</sup> Hollway, and Jefferson

<sup>2</sup> Loader, Girling and Sparks

<sup>3</sup> Heath & Petraitis

<sup>4</sup> Liska and Baccaglioni

<sup>5</sup> O'Connell

<sup>6</sup> Gray, Jackson, and Farrall

<sup>7</sup> Warr

<sup>8</sup> Cashmore

سلامت اجتماعی و رفاه آن‌ها را تهدید می‌کند (جسکون و گری<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰: ۶). کلان‌شهرها در سطح جهان به موازات گسترش مدرنیته و ظهور سبک زندگی، با مسائل اجتماعی نوینی مواجه هستند که منجر به هم خوردن تعادل اجتماعی شده است. طبق نظریه بی‌سازمانی اجتماعی و بوم‌شناسی شهری<sup>۲</sup> میزان ترس از جرم ممکن است در بین مناطق حاشیه‌نشین و مهاجرپذیر و در حال توسعه بیشتر از جوامع توسعه‌یافته باشد؛ علت این امر، در جذب نشدن کامل فرد در بدنه اجتماع به دلایل بیکاری، جامعه‌پذیری نامناسب و افزایش مهاجران و بیکاران مناطق اطراف برای رسیدن به اهداف اجتماعی و ناکامی ناشی از آن هست که این امر خود را در ایجاد مزاحمت‌های ناموسی، ایجاد ناامنی، زورگیری، سرقت و انتقام‌گیری از شهروندان خود نشان می‌دهد. ترس از جرم و قربانی‌شدن به مفهوم دل‌نگرانی فرد از قربانی‌شدن (خود، اعضای خانواده، خویشاوندان، همسایه و شبکه‌های پیوندی) به وسیله ولگردان، معتادان، سارقان، کودک‌رباها، مزاحم خیابانی، سودجوها، گروه‌های بزه‌کار و افراد غیراخلاقی است که ممکن است خود یا یکی از نزدیکان وی را مورد تهدید و قربانی قرار دهند. ترس از جرم در محیط‌هایی شکل می‌گیرد که در آن جرایمی از جمله قتل، خشونت، نزاع و درگیری خیابانی و فیزیکی، سرقت، مزاحمت‌های ناموسی، تهدید و تعقیب توسط غریبه‌ها زیاد بوده و فرد به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم آن را تجربه کرده و یا یکی از نزدیکان و آشنایان فرد، با این جرایم مواجهه شده‌اند. بنیان‌گذاران جامعه‌شناسی از کلاسیک (دورکیم، تونیس، اسپنسر، وبر، پارسونز) تا پساکلاسیک (گیدنز، پیربوردیو، هابرماس)، ترس از جرم را زاییده دوران گذار اجتماع از جامعه مکانیکی - سنتی به جامعه ارگانیکی - مدرن می‌دانند. ترس از جرم حاصل این بی‌نظمی - آشفتگی گذار تاریخی اجتماع است که سرآغاز آن به توسعه و نوسازی برمی‌گردد. توسعه‌ای که در آن ناهمسازی ساختاری بین نهادهای اجتماعی، باعث آنومی توسعه و بی‌نظمی اجتماعی می‌گردد. به لحاظ تاریخی ریشه ترس از جرم در اندیشه تاریخی هابز "لویاتان"، جان لاک "عصر طبیعی و مدنی" و روسو "قرارداد اجتماعی" نمود پیدا کرد که در گذار از عصر طبیعی به عصر قراردادی انعکاس یافته است. در جامعه‌شناسی، آثار دورکیم "تقسیم کار اجتماعی"، مدل‌های مکانیکی و پسامکانیکی را در باب توسعه و پیامدهای این گذار، به مسأله ترس از جرم و قربانی‌شدن اختصاص داده است. بر اساس این، امیل دورکیم (مکانیکی به پسامکانیکی)، هربرت اسپنسر (نظامی به صنعتی)، فردیناند تونیس (جامعه به اجتماع) و پارسونز (مدل سه‌سنخی جوامع)، ترس از جرم را ناشی از وقایعی می‌دانند که در مرحله انتقال تاریخی مشاهده می‌شود. متفکران کلاسیک، رخداد

<sup>1</sup> Jackson, and Gray

<sup>2</sup>urban ecology

ترس از جرم را به فاصله زمانی-تاریخی، توسعه از نقطه A به نقطه B و گذار نافرجام اجتماعی (توسعه ناموفق و ناکام، بی‌هنجاری، ناهمسازی نهادهای سنتی و مدرن)، نسبت می‌دهند و علت آن را در بی‌تعادلی ارزشی، فقدان ثبات هنجاری، بی‌اثر شدن قوانین و فقدان قواعد مرسوم برای اجتماع می‌دانند. بر اساس این، با نگاه به این گذار، شهر اردبیل سنخ جوامع گذار از یک نظام ایلی کوچ‌رو (سنتی)، به یک نظام اجتماعی نیمه مدرن (ترکیبی از سنت و مدرن) را تجربه می‌کند. نگاهی به ساختار اجتماعی جوامع در حال توسعه، بیان‌گر توسعه‌ای ناهمگون و آشفته است، توسعه‌ای که به‌زعم نیل اسملسر، حاکی از آشفتگی اجتماعی است. وی ریشه آشفتگی اجتماعی را ناسازگارهای نهادهای اجتماعی رسمی (نهادهای دولتی، انتظامی، قضایی و مدرن) و نهادهای سنتی (خانواده، نظام همسایگی، مذهب، عرف و آداب اجتماعی) می‌دانند. بر اساس این، ساختار اجتماعی جوامع در حال گذار، نشان از نابسامانی اجتماعی است که آمار بالای قتل، نزاع و درگیری خیابانی، کودک‌ربایی، سرقت، خرابکاری و وندالیسم اجتماعی، مزاحمت اخلاقی، رفتارهای فرا زناشویی، خرید و فروش مواد مخدر و مصرف مشروبات الکلی را تجربه می‌کنند. بر اساس این، پرسش اصلی پژوهش به شرح زیر است:

**پرسش اصلی: چه عواملی بر ترس از جرم مؤثر بوده است؟**

### **مبانی و دیدگاه‌های نظری**

#### **ترس از جرم:**

ترس از جرم، در تاریخ ۴۰ سال گذشته، به‌عنوان مسأله اجتماعی<sup>۱</sup> در محافل علمی ظهور کرده و پژوهشگران را به این امر سوق داده است که ریشه رخداد امر ترس از جرم در جامعه را بررسی کند؟ چگونه اجتماع با چنین مسأله‌ای مواجه می‌شود؟ ساختار اجتماعی و سازه‌های فرهنگی به چه اندازه می‌تواند در شکل‌دهی به ترس از جرم مؤثر واقع شود؟ و در نهایت مکانیسم پیشگیری از ترس از جرم در اجتماع چیست؟ به این خاطر ترس از جرم را ترس از قربانی جرم شدن تعریف کرده‌اند (هال<sup>۲</sup>، ۱۹۹۶: ۵) و اشاره به ترس از رفتن به خیابان و ترس از جرایمی دارد که می‌تواند وی را قربانی خود کند (پریتو و ریچارد بیشوپ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸). جرم به عمل و رفتاری اطلاق می‌شود که از طرف قانون و نظام قضایی تحت پیگرد حقوقی و کیفری قرار می‌گیرد (ویلی و هوبوکن<sup>۴</sup>، ۲۰۱۳) ترس از جرم به‌مثابه یک مسأله اجتماعی (اسیتن و همکاران<sup>۵</sup>،

<sup>1</sup> Social problem

<sup>2</sup> Hall

<sup>3</sup> Prieto Curiel & Richard Bishop

<sup>4</sup> Wiley & Hoboken

<sup>5</sup> Austin & et al

۲۰۰۲) است که در مواقع بحرانی و ناامنی ظهور می‌کند و روی کیفیت زندگی شخصی- اجتماعی (دولن و پیسگود<sup>۱</sup>، ۲۰۰۷) تأثیر گذاشته و نگرانی‌های عمده را ایجاد می‌کند (کارو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰) و باعث جابه‌جایی سکونت<sup>۳</sup> نیز می‌گردد (باکس و اندریو<sup>۴</sup>، ۱۹۸۸). گرچه انعکاس رسانه‌های جمعی (هالیس<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۷)، ممکن است اندکی آن‌ها را غیرواقعی نمایش دهد. مفهوم ترس از جرم به همان ترس پیش‌بینی شده اشاره دارد؛ یعنی ترس از جرم به معنی احساس خطر و نگرانی افراد از آسیب و تبدیل به قربانی جنایات شدن در محلات شهری است (احمدی و عربی، ۱۳۹۲: ۴۰). ترس از جرم به‌طور گسترده در مطالعات جرم‌شناسی<sup>۶</sup> مطرح است (وار<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰: ۴۵۲) و بر روی نگرانی اجتماعی شهروندان تأثیر گذاشته (کاشمور<sup>۸</sup>، ۲۰۱۴) و سلامت اجتماعی<sup>۹</sup> و رفاه آن‌ها را تهدید می‌کند (جسکون و گری<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰: ۶). ترس از جرم به نگرانی از قربانی جرم شدن اشاره دارد. جرم همان تعرض به احساس اخلاقی بشر یعنی جریحه‌دار کردن آن بخش از حس اخلاقی است که احساسات بنیادی نوع‌خواهانه یعنی شفقت و درستکاری را شامل می‌شود (گارفالو و لوب<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۸: ۱۳). از کارکرد مثبت ترس از جرم، طبق نتایج پژوهش، بیداری اجتماعی و هوشیاری اخلاقی در جامعه (جسکون و گری، ۲۰۱۰) و به‌زعم دورکیم (۱۳۹۱)، نوعی اتخاذ مکانیسم جمعی از سوی اجتماع علیه نابه‌هنجاری است.

ترس از جرم به‌عنوان یک حوزه مطالعاتی از سال ۱۹۶۰ به رسمیت شناخته شده است. در دهه ۱۹۷۰ این حوزه مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفت (احمدی و عربی، ۱۳۹۲: ۲). امروزه مطالعه ترس از جرم و عوامل مرتبط با آن به علت تأثیرات منفی که بر زندگی روزمره افراد و جامعه در کل دارد، موضوع بسیار مهمی جهت انجام پژوهش‌های دانشگاهی است. ترس از جرم به‌عنوان اصطلاحی جرم‌شناسی به‌تازگی ابداع شده است و ظهور آن به ۴۰ سال پیش‌بر می‌گردد (لی، ۲۰۰۷ و کوردنر، ۱۳۹۱).

<sup>1</sup> Dolan & Peasgood

<sup>2</sup> Carro D, Valera S, Vidal

<sup>3</sup> Residential Displacement

<sup>4</sup> Box S, Hale C, Andrews G

<sup>5</sup> Hollis

<sup>6</sup> Criminology

<sup>7</sup> Warr

<sup>8</sup> Cashmore

<sup>9</sup> Social health

<sup>10</sup> Jackson & Gray

<sup>11</sup> Garofalo & Laub

## بنیان‌گذاران مفهوم ترس از جرم

ترس از جرم، مفهومی نوپا محسوب می‌شود. به لحاظ رشته‌ای، در علوم اجتماعی، در آثار کلاسیک چندان به آن پرداخته نشده است. در علوم سیاسی، توماس هابز در کتاب لویاتان (۱۶۵۱)، از اندیشمندانی است که ترس از جرم را نه به مفهوم آکادمیکی امروزی، بلکه در سازهٔ احساس ناامنی ترسیم نموده است. از این منظر، توماس هابز پایه‌گذار مفهوم ترس در ارتباط با امنیت جانی، مالی و روانی محسوب می‌شود. لویاتان اشاره به یک هیولا و غول عظیم‌الجثه‌ای است که از دریا سرک می‌کشد و مثل و مانند ندارد. این نام از باب چهل و یکم کتاب ایوب، در تورات گرفته شده است.

هابز در این کتاب می‌گوید انسان در وضعیت طبیعی با خشونت دست و پنجه نرم می‌کند و همیشه با جنگ، خشونت و ستیز با هم‌نوعان مواجه است. این امر وجود لویاتان جهت سروری و رهبری اجتماع را الزامی می‌کند. ظهور دولت را به مسألهٔ ترس از جرم و رخداد غارت و ناامنی نسبت می‌دهد که امنیت جمعی را برقرار کند. وی بر این معتقد است که انسان به طبع خودخواه، فردگرا، سودجو و حسود است و تنها متوجه به شخص خود و در جنگ دائمی با دیگران است. انسان‌ها از لحاظ خودبینی طبیعی مثل همدیگر هستند. وی سه عامل: ۱. جدال بر سر منابع، ۲. عدم اعتماد به یکدیگر و ۳. میل به جلال و شکوه را برای جدال میان انسان‌ها در وضعیت طبیعی ذکر می‌کند.

وضعیت طبیعی، وضعیتی است که در آن هیچ قدرت حاکمی و قاعده و قانونی حکم‌فرما نیست و هرکسی نسبت به هر چیزی محق است. در این وضعیت ترس دائم و خطر مرگ خشونت‌بار وجود دارد و زندگی انسان‌ها قرین انزوا و فقر، نامطبوع، خشن و کوتاه است. وی وضعیت طبیعی را جنگ همه علیه همه می‌داند و تصور می‌کند چون انسان‌ها توانایی‌های تقریباً مشابهی دارند، به‌نحوی که یکی نمی‌تواند بر بقیه غلبهٔ مطلق پیدا کند و اینکه همه به یک اندازه مصلحت‌اندیش هستند، ترس از مرگ آن‌ها را بر آن می‌دارد که با قراردادی دسته‌جمعی متقابلاً از حقوق طبیعی خود دست بشویند و دولت تشکیل دهند. در این صورت حقوق طبیعی خود را به یک فرمان‌روا که در اساس برخاسته از افراد ملت است، واگذار می‌کنند. این فرمان‌روا الزاماً پادشاه نیست، بلکه می‌تواند گروهی از مردم یا هر صورت دیگری هم داشته باشد، نکتهٔ مهم این است که حاکمیت مطلق طی قرارداد اجتماعی به آن‌ها واگذار می‌شود.

هابز در بحث لویاتان، درگذر از دوران طبیعی به عصر پساطبیعی، به اضطراب‌های ناشی از فقدان امنیت و نظارت اشاره نموده است. در صورت نبود دولت و قانون پاسخ‌گو به دلایل آنومی و بی‌هنجاری، شهروندان به لحاظ جانی، مالی، روانی و اخلاقی در تهدید و هراس به سر می‌برند، برای مقابله با این شرایط آشفته و مبهم، به سمت تشکیل دولت و نظام قانونی تن می‌دهند تا با رویکرد انتخاب عقلانی در ازای دادن اقتدار جمعی به یک نفر و تشکیلات ساختاری، در سایهٔ امنیت،

زیست مبتنی بر آرامش را تجربه کنند. بر اساس این، پیدایش مبانی ترس از جرم را می‌توان از توماس هابز تا نسل سوم جامعه‌شناسان از جمله گیدنز، ریتزر و پیربورديو ردیابی کرد.

با اندکی تسامح به آثار اندیشمندان کلاسیک، می‌توان گفت دورکیم، در مفهوم واقعیت اجتماعی، مسأله ترس از جرم را در گذر از دوران سنتی به پسا سنتی، مورد بررسی قرار داده است. دورکیم، طی این گذار که یک کنشگر یا کنشگران جمعی از یک اجتماع سنتی، قطاعی و نظامی بسته که با محورهای هنجار، عرف و نظام سلسله‌مراتبی، مدیریت می‌شوند، به سمت نظام اجتماعی باز با خصیصه‌هایی چون فردگرایی، تحرک، عقلانیت، مدرنیته و ... گذر می‌کنند، با بحرانی مواجه می‌شوند، این بحران را آنومی اجتماعی می‌نامد. وی آنومی اجتماعی را به مفهوم نبود قواعد، قانون و الزام‌های اخلاقی در اجتماع در حال گذار به کار می‌برد.

دورکیم بعدها آنومی اخلاقی را در کتاب تقسیم کار که به مسأله مجازات تنبیهی و ترمیمی پرداخته است، نیز مورد توجه قرار داد. ترس از جرم به‌عنوان یک پدیده از بحث آنومی در سنت نظری امیل دورکیم، شکل گرفته است. ترس از جرم در اندیشه دورکیم، در دو بعد کلی جانی و اخلاقی ذکر شده است. گرچه کنکاش در لابه‌لای تقسیم کار که گذر از همبستگی مکانیکی به ارگانیکی را گذار از زندگی عرفی به جهان قانون می‌داند، ابعاد روانی، اخلاقی، مالی و جانی نیز قابل بحث و بررسی است. گذاری که از پس آن آنومی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی پدیدار شده و زندگی شهروندان را دچار اختلال می‌کند.

زیمل در نظریه کلان‌شهر، به این مسأله به‌طور غیرمستقیم اشاره کرده است. کلان‌شهر جایی است که در آن فردیت، غربیگی و ناشناختگی شکل می‌گیرد، اجتماعاتی که فاقد پیوندهای همسایگی هستند، دچار ناهمگونی شده و نسبت به محیط خود بی‌تفاوت می‌شوند. بر اساس این، از دل این بی‌اعتمادی و عدم تعامل، نوعی احساس ناامنی و تهدید بیرون می‌آید. اجتماع‌هایی که طی گذار قرار می‌گیرند، به سبب به هم خوردگی قانون تعامل اجتماعی، نوسان و اختلال در فرآیند هنجارپذیری، تضاد و تنش، ظهور متکدیان و انواعی از نابسامانی‌های اجتماعی، ترس و ناامنی را در بین شهروندان بیشتر می‌کنند. ترس از جرم، در اندیشه هابز نیز بازتاب یافته است. تجربه‌ای که نشان می‌دهد ترس از جرم گرچه با عنوانی متفاوت، اما با مفاهیمی گوناگون صبغه علمی و جامعه‌شناختی دارد و طی روند تاریخی شکل یافته است.

بالین‌حال، برای اولین بار در جامعه‌شناسی، تیم دیلینی در کتاب جامعه‌شناسان کلاسیک، نظریه پنجره شکسته را در مبحث ترس از جرم، به‌طور دقیق تحلیل کرده است. در این نظریه که حوزه مطالعات جغرافیایی - جامعه‌شناختی (بیشتر

جغرافیایی- محیطی تا کم‌تر جامعه‌شناختی) قرار می‌گیرد، نزاکت مدنی، بی‌نظمی فیزیکی و اجتماعی در ظهور ترس از جرم مهم قلمداد شده است.

به لحاظ تاریخی در اروپا و مطالعات غربی، ترس از جرم، به مفهوم ترس از حضور در خیابان و جوانان ولگرد در فضای عمومی، از زمان‌های قدیم در فرهنگ غربی رایج بوده است. با گذشت سال‌ها، محققان با روش‌های مختلفی برای مفهوم‌سازی و ترس از جرم و جنایت، تلاش کرده و در مورد چگونگی ترس از جرم به‌عنوان یک احساس یا به‌عنوان اندازه‌گیری خطر بررسی کرده‌اند.

از نظر تاریخی، ترس از جرم به مدت طولانی به‌عنوان خطر بیان شده است. احتمال این است که یک فرد قربانی یک جرم خاص شود. پس از آن، تحقیقات درباره‌ی ترس از جرم از مسأله‌ی عاطفی و روان‌شناختی آن دور شده و به مفهوم بزه‌دیدگی و قربانی شدن که حقوقی- جامعه‌شناختی است، نزدیک شد (رونتر و لند، ۱۹۹۶). بعدها لیسکا و همکاران<sup>۱</sup> (۱۹۸۸)، رفتارهای محدود شده (کاهش فعالیت) که هم پیامد و هم علت ترس از جرم است را مورد کاوش خود قرار دادند (عشایری، ۱۳۹۷: ۱۰۱).

### سنجۀ ترس از جرم

ترس از جرم در طول سال‌ها، با استفاده از یک معیار تک‌بعدی، اندازه‌گیری شده است (لن<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). این اندازه‌گیری اغلب در انواع منابع اطلاعات ثانویه مانند نظرسنجی جرم ملی و نظرسنجی عمومی استفاده می‌شد. به‌عنوان مثال، در نظرسنجی جرم ملی این سؤال می‌شد: "احساس امنیت شما به چه میزان است یا اینکه شما به‌تنهایی در محله‌ی خود در ایام شبانه احساس امنیت می‌کنید؟"

ترس از جرم، گاهی با استفاده از اقدامات خاص جنایی مشخص می‌شد (بومر، ۱۹۸۰). به‌عنوان مثال در نظرسنجی سؤالاتی در مورد منزل و اماکنی که مورد سرقت قرار گرفت یا درباره‌ی تجاوز به عنف (فرارو، ۱۹۹۶) آیت‌م طراحی می‌کرد. بسیاری از تحقیقات اولیه از بعد تاریخی بر بهترین راه برای تعریف و اندازه‌گیری ترس از جرم و جنایت متمرکز بودند. نخستین پژوهش‌ها نشان می‌دهند که چهار مشکل در سنجش ترس از جرم موجود بود (لن و همکاران، ۲۰۰۲).

۱. بسیاری از پژوهش‌ها در اوایل، از سنجه و سازه اشتباه و نامرتب‌ی برای اندازه‌گیری ترس از جرم استفاده می‌کردند. این مطالعات از پاسخ‌گویان می‌پرسیدند که به چه میزان احساس امنیت می‌کنید، به‌جای اینکه سؤال کنند تا چه اندازه

<sup>1</sup> Liska, A.E. Sanchirico, A. & Reed

<sup>2</sup> Lane

نگران بزه‌دیدگی یا قربانی جرایم هستید. آن‌ها دریافتند که پرسش درباره امنیت، همان درک خطر را اندازه‌گیری می‌کند (بومر، ۱۹۷۸)؛ بنابراین، از دهه ۱۹۸۰، محققان اظهار داشتند که برای اندازه‌گیری ترس از جرم باید به جای پرسش درباره امنیت، بایستی از نگرانی و دلهره آن‌ها نسبت به جرایم سؤال شود.

۲. مسأله بعدی سنجش، منطقه یا خطای بوم‌شناختی آن بود. به این معنی که در پژوهش، یک سنجش کلی تعمیم‌یافته برای اندازه‌گیری آن معرفی می‌کردند، درحالی که سنجش بومی و منطقه محوری برای بررسی ترس از جرم لازم بود (فیشر و ناسر، ۱۹۹۲).

۳. در نهایت مطالعات نشان داد که پرسش‌های ترس از جرم، نیاز به اندازه‌گیری شدت در قالب طیف لیکرت دارد؛ بنابراین از مشارکت‌کننده می‌پرسیم که اگر آن‌ها از جرایم خاصی می‌ترسند، آن را بر روی یک طیف خیلی نگرانم تا اصلاً نگران نیستم، پاسخ بدهند (فیشر و سولون، ۲۰۰۳، ملد، ۲۰۰۹).

۴. در کارهای اولیه، به جای اینکه برای ترس از جرم، از حالت طیف و شدت، استفاده کند، مستقیم از افراد می‌پرسید می‌ترسید یا نه؟

به این ترتیب، هنگامی که تمام این بحث‌های اولیه درباره ترس از جرم و برخی موارد اخیر را در نظر می‌گیرید، بهترین سنجش ترس از جرم، مواردی از جمله توجه به مفهوم نگرانی (شما در مورد خود چه اندازه نگران بزه‌دیدگی هستید؟)، جرایم خاص (به چه میزان در مورد تجاوز نگران خود هستید)؛ مطالعه مکان ویژه (نگرانی شما در رابطه با تجاوز جنسی در محله شما به چه اندازه است) و توجه به اندازه‌گیری شدت در یک مقیاس از یک تا ده که در آن، یک به معنای عدم نگرانی و ده به معنای نگرانی بیشتر است، نگرانی‌تان در مورد جرم تجاوز در محله شما رخ می‌دهد، به چه میزان است؟ بهترین ابزار و سنجش برای این مفهوم هستند (لن و همکاران، ۲۰۱۴).

فرارو و لاگرانگ (۱۹۹۲) سنجش‌های ترس از جرم را به سه گروه عمده دسته‌بندی کرده‌اند که بیان‌گر قضاوت‌ها، میزان و مقدار و احساسات است. سنجش‌هایی که به دسته اول مربوطند، به بررسی ارزیابی و قضاوت‌های شناختی راجع هستند. مثل تلقی افراد از احتمال اینکه قربانی جرم شوند. دسته دوم در پی میزان و مقدارند؛ برای مثال میزان نگرانی از جرم یا مدارای با جرم چقدر است و دسته سوم نیز ترس از جرم را واکنشی احساسی در نظر می‌گیرند. باین حال در سنت ترس از جرم، بیشتر محققان سنجش‌های شناختی و احساسی را با همدیگر ترکیب کرده‌اند. علاوه بر دسته‌بندی فوق، برخی از محققان از سنجش‌های رفتاری بهره گرفته‌اند؛ یعنی از پاسخ‌گویان خواسته‌اند تا کارهایی را که برای اجتناب از قربانی شدن

واقعی یا احتمالی انجام داده یا در آینده انجام خواهند داد، بیان کنند. از نظر طرفداران این سنجه‌ها، آنچه مردم در عمل انجام می‌دهند، ملاک بهتری نسبت به آنچه اظهار می‌دارند، است. اگرچه برخی نیز معتقدند این شاخص‌ها در بهترین حالت بیان‌گر آن چیزی است که مردم اظهار داشته‌اند که انجام داده یا می‌دهند (اما این که آیا آن‌ها واقعاً این کارها را انجام داده‌اند، مشخص نیست). سایرین بر این باورند شاخص‌های رفتاری نه معرف ترس از جرم، بلکه پیامد ترس از جرم هستند.

### سنخ‌شناسی ابعاد ترس از جرم

امیل دورکیم، از جمله جامعه‌شناسانی است که واژه سنخ‌شناسی<sup>۱</sup> را به کار گرفت، این امر در کتاب تقسیم کار اجتماعی مشاهده شده است. بعد از امیل دورکیم، جامعه‌شناسانی از جمله ماکس وبر (انواع عقلانیت)، پیر بوردیو (ذائقه اجتماعی)، سی رایت میلز (مسائل اجتماعی) و گیدنز (نظام تخصصی)، به بحث درباره سنخ‌شناسی پرداختند. دورکیم انواع همبستگی (مکانیکی و ارگانیکی) و حقوق (زاجره و ترمیمی) و انواع خودکشی (خودخواهانه، بی‌هنجاری، نوع‌دوستانه و قدرگرایانه) را سنخ‌شناسی کرد. به این معنی که جامعه‌شناسی در اندیشه دورکیم در دو مقام کشف و تبیین، بیشتر مطرح کرد. بر اساس این، دورکیم ذهن مقایسه‌ای داشت و این مفهوم را هم برای سامان‌دهی امر اجتماعی در علوم اجتماعی و هم تمایز مفاهیم از هم در جامعه‌شناسی به‌ویژه در کتاب قواعد روش به کار گرفت.

سنخ مجموعه‌ای از مفاهیم است که دست‌کم در یک ویژگی مورد مطالعه با یکدیگر مشترک باشند. سنخ‌شناسی تقسیم‌بندی و تنظیم داده‌هاست (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰). منظور از سنخ‌شناسی، نوعی توصیف بین ابعاد یک شاخص است. سنخ‌شناسی ترس از جرم، با هدف شناسایی و توصیف بین ابعاد ترس از جرم، دست‌یابی به مؤلفه‌های جزئی آن برای اندازه‌گیری و سنجش دقیق‌تر صورت می‌گیرد. هدف اصلی توصیف در امر سنخ‌شناسی، تعیین دقیق مرز بین ابعاد یک شاخص اجتماعی است. سنخ‌شناسی، به‌مثابه ابزاری در جهت دقیق‌تر نمودن زوایای پنهان یک پدیده، شاخص و متغیر مورد بررسی است. در این مطالعه نیز با استناد به پیشینه تجربی- نظری، سنخ و ابعاد ترس از جرم شناسایی شده‌اند.

بر اساس این، محققان بین انواع ترس تمایز قائل شده‌اند: ترس بی‌شکل و ترس واقعی (کین، ۱۹۹۲)، ترس از جرایم علیه اشخاص و ترس از جرایم علیه اموال، ترس (بعد احساسی) و تلقی خطر (بعد شناختی) (فرارو و لاگرانگ، ۱۹۹۲). ترس از قربانی شدن و ترس از جرم (وار، ۱۹۸۴)، ترس شخصی (ترس از ایمنی خود)، ترس نوع‌دوستانه (ترس از بابت افرادی که رابطه نزدیکی با فرد دارند، مثل همسر، دوستان یا بچه‌ها) (وار، ۱۹۹۲)، ترس از جرم و نگرانی از جرم، ترس

<sup>1</sup> typology

(رخداد ذهنی) و نگرانی و اضطراب (موقعیت ذهنی) (ربانی و همتی، ۱۳۸۸). درنهایت، پژوهش و مطالعات صورت گرفته در ادبیات نظری، خارجی و داخلی، ابعاد ترس از جرم را به شرح زیر دسته‌بندی و سنخ‌شناسی کرده‌اند.

**الف. بعد مالی:** منظور این است که افراد نگران دارایی، اموال و سرمایه مالی خود باشند؛ یعنی ترس و نگرانی از ربوده شدن اموال و وسایل شخصی در اجتماع است (باپیری و همکاران، ۱۳۹۵). اینکه افراد تا چه اندازه نگرانی مالی دارند.

**ب. بعد جانی:** به معنای عدم تضمین جسم و جان افراد در مقابل خطرات و آسیب‌هایی است که منجر به ترس و ناامنی آن‌ها می‌گردد. هرگونه تهدیدی که علیه جان انسان‌ها باشد، امنیت جانی آن‌ها را از بین می‌برد (صدرنبوی و همکاران، ۱۳۸۹: ۸۲). به این معنا که فرد برای حفاظت از سلامت و زندگی‌اش در مقابله با تهدیدات بیرونی تا چه اندازه نگران است (چلیپی، ۱۳۸۹). این بعد نشان می‌دهد که فرد تا چه اندازه در محل سکونت یا اجتماع خود، از تهدید و قربانی شدن جانی به دست دیگری، احساس نگرانی و دل‌شوره دارد.

**ج. بعد روانی (فکری):** نوعی جهت‌گیری و ذهنیت روانی منفی (عدم رضایت، غیر آرامش‌بخش) در مورد اجتماع و یا محل زندگی خود است. در این حالت فرد از اینکه دچار قربانی بشود یا مورد سوء قصد قرار بگیرد، احساس اضطراب و ترس و ناامنی دارد (عباسی اسفجیر و رحمانی‌فیروزجاه، ۱۳۸۹).

**د. بعد اخلاقی (ناموسی):** به معنای عدم تضمین اصول و الگوهای اخلاقی در روابط و مناسبات اجتماعی است (حسینی‌نثار و قاسمی، ۱۳۹۱: ۶). اخلاق یکی از پایه‌های مهم در پایداری ساکنان و اجتماع انسانی است، هرگونه زوال اخلاقی، نوعی از بین رفتن شبکه‌های بین‌گروهی و انسجام تلقی می‌گردد. این بعد از ترس از جرم بیان می‌دارد که افراد چه اندازه نگران مزاحمت‌های اخلاقی و ناموسی در مورد خویش و خویشاوندان خود هستند.

ترس از جرم، برگرفته از بسترهای اجتماعی - فرهنگی و فضای کالبدی- محیطی است. بر اساس این، در مطالعات جنایی و اجتماعی، برای سنجش میزان ناامنی محیطی، اجتماعی و وضعیت ترس از جرم ساکنان، جرایم به‌عنوان نشان‌گر یا نمایه‌های ترس از جرم، تلقی می‌شوند. شاخص‌های ناامنی و جرایم خشن شامل قتل (عمد و غیر عمد) تهدید و تعقیب، اجبار و اکراه، تظاهر به چاقوکشی، سرقت از اماکن دولتی، منزل، مغازه و موتورسیکلت، مسموم کردن عمدی، قاچاقچیان دستگیرشده مواد مخدر، نزاع و درگیری، مزاحمت‌های ناموسی و اخلاقی، کودک‌ربایی، خشونت و کودک‌آزاری هستند.

## نظریه پنجره شکسته

نظریه پنجره‌های شکسته، پدیده حوادث زنجیره‌ای را به‌عنوان یک اصل مسلم می‌پذیرند. بدان معنی که اگر با یک بی‌نظمی و یک جرم خرد مدارا شود، سپس جرایم جدی‌تری به وقوع خواهد پیوست. ساکنانی که از عهده چنین کاری برمی‌آیند، جا می‌گذارند و می‌روند، صاحبان ملک و ثروت موفق نخواهند بود تا خانه و اموال تجاری خود را آن‌گونه که باید حفظ کنند و یک سیر مارپیچی نزولی محله را فرامی‌گیرد. این نظریه گسترده که امور پلیسی منفعل، بی‌نظمی و جرایم شدید را در الگویی از فضای خرابی‌های شهر به یکدیگر متصل می‌کند (حسنوند، ۱۳۹۱: ۵۲). محیط زیست شهری نقش بسیار مهمی در شکل‌گیری رفتار و نگرش افراد دارد. جرک کیلینگ و جیمز ویلسون در یک مقاله معروف در ماهنامه آتلانتیک در مارس ۱۹۸۲ با عنوان پنجره شکسته: پلیس و امنیت محله‌ها بر این باورند که غفلت‌های کوچک مقیاس، همچون بر جای گذاشتن یک پنجره شکسته و تعبیه نشده، گویای پیام زوال و بی‌تفاوتی است و این مسأله سرانجام به جرم و جنایات بزرگ‌تری می‌انجامد. این نظریه بر اهمیت حیاتی حفاظت از محیط به‌عنوان شاخص فیزیکی برای سطوح همبستگی و انسجام اجتماعی و کنترل غیررسمی تأکید کرده است. فرض اساسی در این نظریه این است که رسیدگی نکردن به جرایم جزئی، نظیر دیوارنویسی، زباله‌ریختن در معابر عمومی، گدایی و روسپی‌گری، باعث تضعیف موقعیت محله و ارتکاب جرایم جدی‌تر خواهد شد. یکی از نمونه‌های امروزی به‌کارگیری عملی این نظریه، است رازی مراقبت پلیسی است که جولیان، شهردار سابق شهر نیویورک در زمینه حفظ نظم به اجرا درآورد و تأکید آن بر اعمال مؤثر و خشونت‌آمیز قوانین مربوط به جرایمی است که به کیفیت زندگی اجتماعی لطمه وارد می‌کند، درمانند دیوارنویسی، ولگردی، دفع ادرار معابر عمومی، زورگیری، مشروب‌خواری، روسپی‌گری و عبور از عرض خیابان و نرده‌ها (دیلینی، ۱۳۹۱: ۱۶۵). رامسی (۱۹۸۹: ۲) نشان می‌دهد که رفتار غیر مدنی نظیر مصرف الکل در محیط عمومی یا رفتار مست می‌تواند اثر نامطلوبی بر ساکنان داشته باشد و به افزایش ترس از جرم کمک کند. وجود گدا، مست‌ها، خرابکارها در ترس از جرم تأثیر دارند (ماتیوز، ۱۹۹۲). تحقیقات نشان می‌دهد که بی‌نزاکتی محله یکی از عامل اصلی جرایم خطرناک است. مناطقی که با فقر نظارت طبیعی مواجه است فرصت انجام جرم و ترس از جرم را مهیا می‌کند (دوران و لیس، ۲۰۰۵: ۹). افراد نیمه‌ماهر و ساده که در شغل‌های خاصی فعالیت می‌کنند، احساس ترس بیشتری نسبت به باقی دارند به این دلیل معمولاً افراد فقیر و کم‌درآمد در مناطقی زندگی می‌کنند یا در محیط‌های کار می‌کنند که بیشتر با جرایم خطرناک مواجه می‌شوند به این خاطر ترس از جرم بالاتری دارند (رامسی، ۱۹۸۹). نظارت همسایگان یکی از راه‌هایی برای کاهش جرم و ترس از طریق درگیرسازی شهروندان در پیشگیری از جرم است. این‌ها با هم در مورد مسائل رخ داده به بحث بشیند و سازوکاری را برای

کاهش جرم از طریق نظارت محلی و فعالیت گزارش جرایم انجام دهند. این به ساکنان محله اجازه می‌دهد نسبت به برخی از مسائلی که در محیط زندگی‌شان ممکن است رخ بدهد راه‌حلهایی بیابند. ساکنان می‌دانند چه عاملی باعث ترس از جرم می‌شود و چه چیزی ترس آن‌ها را کاهش خواهد داد. این برنامه از طریق کاهش ترس است نه جرم (برانتینگم، ۱۹۹۰). البته گشت موتوری و پیاده‌پلیس، خود می‌تواند بر کاهش ترس از جرم و امنیت‌بخشی به محلات کمک کند (هورنیک و همکاران، ۱۹۸۹).

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع فراتحلیل<sup>۱</sup> (کمی) است. فراتحلیل، ترکیب، انسجام‌بخشی و یکدست‌سازی مطالعات صورت‌گرفته در یک زمینه مشخص است. فن، آماری است که برای مرور نظام‌مندی استفاده می‌شود که نتایج حاصل از تعداد زیادی از مطالعات را به صورت کمی ترکیب می‌کند تا متوسط اثر یک فن خاص را تعیین کند که دارای ۵ مرحله<sup>۱</sup>. تنظیم سؤال، جست‌وجوی ادبیات، ۳. انتخاب تحقیقات واجد شرایط، ۴. استخراج داده‌ها و ارزیابی کیفیت و اعتبار آن و ۵. ترکیب، تعبیر و تفسیر گزارش است. جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه پژوهش‌های انجام‌شده در مطالعات جهانی در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ با موضوع ترس از جرم است که در پایگاه‌های اطلاعات علمی ثبت شده است. از میان بیش از ۳۵ مطالعات پژوهشی در باب ترس از جرم با رویکرد جامعه‌شناختی، درنهایت ۲۰ سند پژوهشی متناسب با ملاک‌های فراتحلیل کمی (ضریب همبستگی، حجم نمونه، سطح معنی‌داری، کیفیت پژوهش، اعتبار و ورایی پژوهش، پیمایش) انتخاب شدند. بعد از دسته‌بندی اولیه مطالعات، سنخ‌شناسی و توصیف آن، درنهایت متغیرهای پژوهش که بیش از ۲ بار در مطالعات تکرار شده‌اند، برای تعیین اندازه اثر و ضریب همبستگی آن وارد CMA2 شدند.

### یافته‌های پژوهش

#### الف) توصیفی

#### - تلخیص پژوهش جهانی

<sup>۱</sup> Meta-Analysis Method

پژوهش جهانی ترس از جرم از بعد روش، حجم جامعه، حجم نمونه، شیوه نمونه‌گیری و سال اجرای آن، در جدول شماره ۱، ارائه شده است.

جدول ۱. پژوهش‌های جهانی ترس از جرم

نام نویسنده	روش	حجم جامعه	حجم نمونه	شیوه نمونه‌گیری
بریتو، ستودارت و آگوو (۲۰۱۷)	پیمایش (پرسش-نامه)	۱۵۰۰۰۰	۲۰۱۳	خوشه‌ای
رادر (۲۰۱۷)	تحلیل ثانویه	-	۲۰۱	تصادفی
جاستین و همکاران (۲۰۱۶)	پیمایش (پرسش-نامه)	-	۴۰۰	طبقه‌ای تصادفی
ویزر، سکولت و اسکوپرز (۲۰۱۶)	پیمایش (پرسش-نامه)	۲۵ کشور اروپایی	۷۷۶۴۷	خوشه‌ای تصادفی
هنلی و لیه یوپانر (۲۰۱۵)	پیمایش (پرسش-نامه)	-	۲۸۷۶۸	طبقه‌ای تصادفی
لیتل و راندا (۲۰۱۵)	پیمایش (تلفنی)	-	۳۰۰۰	غیر احتمالی (دسترس)
یون و مکنیلی (۲۰۱۵)	پیمایش (پرسش-نامه)	-	۲۸۹	روش تصادفی
آستین (۲۰۱۴)	پیمایش (پرسش-نامه)	-	۵۱۰۹	روش خوشه‌ای چندمرحله‌ای
لن و همکاران (۲۰۱۴)	پیمایش (پرسش-نامه)	-	۳۰۰	روش تصادفی ساده
لورنس و همکاران (۲۰۱۳)	تحلیل ثانویه	۱۸ پایگاه داده	۴۰	روش تعدمی
برانگرت و همکاران (۲۰۱۲)	تحلیل سیستماتیک	-	۱۷۸	روش گلوله تعدمی
اسمیت و گلنز (۲۰۱۲)	پیمایش (پرسش-نامه)	-	۷۰۰	تصادفی ساده
لئو و پولسون (۲۰۱۱)	پیمایش (پرسش-نامه)	-	۶۰۰	خوشه چندمرحله‌ای

نام نویسنده	روش	حجم جامعه	حجم نمونه	شیوه نمونه گیری
ویندیور (۲۰۱۱)	پیمایش (پرسش- نامه)	۱۵ اتحادیه اروپا و مجارستان	۳۱۵۶۳۶	خوشه چندمرحله‌ای
هیلنیسکی، پنتکوستنیسون و اندریوز (۲۰۱۱)	پیمایش (پرسش- نامه)	۳۵۰۰	۳۷۵	تصادفی ساده
لن و فوکس (۲۰۱۱)	پیمایش (پرسش- نامه)	-	۲۴۱۴	روش تصادفی ساده
جانسون (۲۰۱۱)	پیمایش (پرسش- نامه)	-	۲۳۸۹	روش تصادفی ساده
هارتمن (۲۰۱۱)	پیمایش (پرسش- نامه)	-	۱۳۴	تصادفی ساده
مسچ (۲۰۱۰)	پیمایش (پرسش- نامه)	-	۴۰۰۰	-
پارکر و ری (۲۰۱۰)	پیمایش (پرسش- نامه)	-	۱۸۳۵	تصادفی ساده

پژوهش‌های جهانی ترس از جرم در ادامه، از بعد ویژگی مکانی و مردمی، توصیف و تحلیل شده است.

### - خصیصه مکانی پژوهش جهانی ترس از جرم

پژوهش ترس از جرم در مطالعات جهانی، بر حسب ویژگی‌های آن در جدول شماره ۲، گزارش شده است.

#### جدول ۲. خصیصه مکانی پژوهش جهانی ترس از جرم

تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم و ریشه‌های شکل‌گیری آن: مروری بر پژوهش‌های بازه زمانی ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۷

طاها عشایری، علی میرزاپور

متغیر	ویژگی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۴۶
	زن	۵۴
نوع مذهب	مسیحی	۷۵
	غیر مسیحی	۲۵
سن	۳۰-۲۵	۳۲
	۳۶-۳۱	۲۶
	۴۲-۳۷	۳۳
	۴۳ و بالاتر	۹
سطح درآمد	بالا	۴۱
	متوسط	۲۸
	پایین	۳۱
نوع قومیت	سیاه	۲۶
	سفید	۳۹
	آسیایی	۱۵
	سایر	۲۰

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که از بین پاسخ‌گویان، ۴۶ درصد مرد و ۵۴ درصد پاسخ‌گویان زن هستند. سنین افراد مورد بررسی، ۳۰-۲۵ برابر با ۳۲ درصد، ۳۶-۳۱ برابر با ۲۶ درصد، سنین ۴۲-۳۷ برابر با ۳۳ درصد و سنین ۴۳ و بالاتر برابر با ۹ درصد هستند. از بین پاسخ‌گویان ۲۶ درصد متعلق به قوم سیاه‌پوست، ۳۹ درصد سفیدپوست و ۱۵ آسیایی و ۲۰ درصد شامل سایر گروه‌های قومی هستند که تحت عنوان سایر نام‌گذاری شده‌اند. از بین پاسخ‌گویان ۷۵ درصد متعلق به دین مسیحی، ۲۵ به گروه مذهبی غیر مسیحی هستند.

### تجربه مواجهه با جرم

تجربه مواجهه با جرم، در جدول شماره ۳ بر حسب نوع و نحوه مواجهه ارائه شده است.

جدول ۳. نوع تجربه مواجهه با جرم

درصد فراوانی	تجربه مواجهه با جرم
۱۲	سرقت
۲۱	آزار جنسی
۱۴	تعقیب
۱۹	تهدید و اخاذی
۲۵	مشاهده بزه و جرم
۹	درگیری و نزاع
۱۰۰	جمع

یافته‌های جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که ۱۲ درصد جرم سرقت، ۲۱ درصد آزار جنسی، ۱۴ درصد تعقیب توسط دیگران، ۱۹ درصد تهدید و اخاذی، ۲۵ درصد مشاهده بزه و جرم و ۹ درصد نیز درگیری و نزاع را تجربه کرده‌اند.

- مکان قربانی و بزه‌دیدگی

محل تجربه جرم در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول ۴. محل مواجهه با جرم

درصد فراوانی	تجربه مواجهه با جرم
۲۳	حمل و نقل عمومی اتوبوس

۱۸	ایستگاه‌های قطار
۳۳	محله
۲۶	مسافرت بین‌شهری، استانی و منطقه‌ای
۱۰۰	جمع

یافته‌های جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که ۲۳ درصد در حمل‌ونقل عمومی نظیر اتوبوس، ۱۸ درصد ایستگاه‌های قطار، ۳۳ درصد در محله و ۲۶ درصد مسافرت بین‌شهری، استانی و منطقه‌ای، جرم را تجربه کرده‌اند.

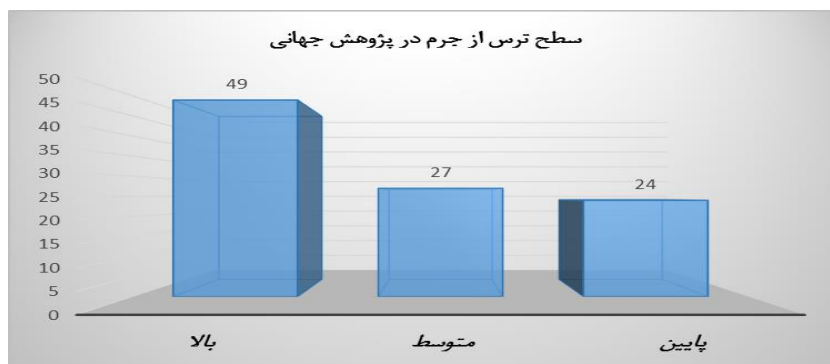
#### - سطح جهانی ترس از جرم

سطح جهانی ترس از جرم، در جدول شماره ۵ در سه سطح کلی بالا، متوسط و پایین گزارش شده است.

#### جدول ۵. میزان ترس از جرم در پژوهش جهانی

ترس از جرم	درصد فراوانی
بالا	۴۹
متوسط	۲۷
پایین	۲۴
جمع	۱۰۰

نتایج کلی حاصل از بررسی پژوهش نشان می‌دهد که ۴۹ درصد میزان از ترس از جرم بالا، ۲۷ درصد متوسط و ۲۴ درصد آن را در سطح پایین بیان کرده‌اند. بر اساس این، اکثر پاسخ‌گویان ترس از جرم بالاتری دارند.



نمودار ۱. وضعیت کلی ترس از جرم در جهان

### ب) استنباطی

ترس از جرم در پژوهش‌های جهانی، تابعی از متغیرهایی بوده است که به تفکیک سطح اندازه اثر و معنی‌داری آن، در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول ۶. نتایج تجربی اندازه اثر پژوهش جهانی ترس از جرم

متغیر پژوهش	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	z	sig
محل سکونت	۰,۵۰۰	۰,۴۱۴	۰,۵۷۷	۹,۹۰۳	۰,۰۰۰
تعلق و نوع قومیت	۰,۳۱۰	۰,۲۰۲	۰,۴۱۱	۵,۴۱۱	۰,۰۰۰
تعلق جغرافیایی فرهنگی	۰,۷۰۰	۰,۶۳۴	۰,۷۵۶	۱۴,۳۵۶	۰,۰۰۰
وابستگی مذهبی	۰,۴۱۰	۰,۳۳۲	۰,۴۸۲	۹,۴۶۴	۰,۰۰۰
تجربه قربانی شدن	۰,۱۶۰	۰,۰۲۶	۰,۲۸۸	۲,۳۴۴	۰,۰۱۹
ناشناختگی اجتماعی	۰,۴۳۰	۰,۳۰۶۱۱	۰,۵۴۰	۶,۲۵۵	۰,۰۰۰
شبکه اجتماعی	۰,۳۱۰	۰,۲۰۲	۰,۴۱۱	۵,۴۱۱	۰,۰۰۰
حمایت اجتماعی	۰,۴۷۰	۰,۳۹۷	۰,۵۳۷	۱۱,۰۸۲	۰,۰۰۰
اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته	۰,۵۹۰	۰,۵۱۸	۰,۶۵۴	۱۲,۷۸۶	۰,۰۰۰
رسانه‌ای شدن جرایم	۰,۴۸۰	۰,۳۶۲	۰,۵۸۳	۷,۱۱۳	۰,۰۰۰

تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم و ریشه‌های شکل‌گیری آن: مروری بر پژوهش‌های بازه زمانی ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۷

طاها عشایری، علی میرزاپور

متغیر پژوهش	اندازه اثر	حد پایین	حد بالا	z	sig
ساختار نظام خانواده	۰,۲۵۳	۰,۱۲۷	۰,۳۸۷	۶,۰۷۱	۰,۰۰۱
مشاهده جرم	۰,۲۷۹	۰,۳۸۱	۰,۶۳۴	۱۰,۸۵۲	۰,۰۰۰
ناهمگنی ساکنان	۰,۲۸۵	۰,۴۹۸	۰,۶۲۱	۶,۸۴۶	۰,۰۰۰
سبک زندگی انتخابی	۰,۵۶۰	۰,۴۷۳	۰,۶۳۶	۱۰,۳۳۹	۰,۰۰۰
تعهد مذهبی	۰,۲۶۰	۰,۱۵۸	۰,۳۵۶	۴,۹۰۷	۰,۰۰۰
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰,۴۰۴	۰,۳۳۶	۰,۴۶۸	۱۰,۵۸۱	۰,۰۰۰
پنداشت از جرم	۰,۴۲۱	۰,۰۸۹	۰,۶۶۸	۲,۴۴۶	۰,۰۱۴
احساس آسیب پذیری اجتماعی	۰,۴۳۱	۰,۳۴۶	۰,۵۰۹	۹,۰۰۱	۰,۰۰۰
ناهمگونی نژادی اجتماع	۰,۴۹۱	۰,۴۳۷	۰,۵۴۱	۱۵,۳۰۳	۰,۰۰۰

با توجه به نتایج جدول شماره ۶ می توان گفت:

- ترس از جرم از محل سکونت تأثیر می پذیرد و این متغیر در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۵۰۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. در مجموع، کیفیت محله و محل سکونت، زمینه ترس از جرم را افزایش می دهد.

- متغیر تعلق قومی در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۳۱۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. تعلق قومی، باعث کاهش همبستگی و انسجام فراقومی شده و باعث افزایش ترس از جرم می گردد. همچنین، نوع گروه های قومی جرایم خاصی را مرتکب می شوند. مثلاً میزان جرایم سیاهان و سفیدان در جوامع اروپایی متفاوت است.

- متغیر تعلق جغرافیایی در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۷۰۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. نظام جغرافیایی به دلیل افزایش فاصله اجتماعی و کاهش پیوندهای اجتماعی، بستر خطر قربانی شدن و ترس از جرم را افزایش می دهد.

- متغیر وابستگی مذهبی در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۴۱۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. داشتن گرایش‌های مذهبی و نوع تعلق مذهبی در میزان ترس از جرم تأثیرگذار است.

- متغیر تجربه قربانی‌شدن در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۱۶۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. گروه‌هایی که سابقه قربانی‌شدن دارند، ترس از جرم بیشتری را از خود نشان می‌دهند.

- متغیر ناشناختگی اجتماعی در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۴۳۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. در محیط‌هایی که سطح ناشناختگی بالاست، به دلیل عدم وجود اعتماد، تعامل و سرمایه اجتماعی قوی، ساکنان آن‌ها ترس از جرم بیشتری را تجربه می‌کنند.

- متغیر شبکه اجتماعی در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۳۱۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. هرچه شبکه اجتماعی قوی‌تر و سطح آن گسترده‌تر باشد، ترس از جرم افراد نیز پایین‌تر خواهد بود.

- متغیر حمایت اجتماعی در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۴۷۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. حمایت اجتماعی یکی از متغیرهای مهم در کاهش ترس از جرم است. گروه‌هایی که سطح حمایت اجتماعی بالایی دارند، ترس از جرم کم‌تری را تجربه می‌کنند.

- متغیر اعتماد تعمیم‌یافته در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۵۹۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. هرچه اعتماد فردی نسبت به محیط و نهادهای اجتماعی تعمیم‌یافته و توسعه‌یافته باشد، کم‌تر ترس از جرم را درک و احساس می‌کند.

- متغیر رسانه‌ای شدن جرایم در سطح  $P\text{-Value} = ۰,۰۰۰$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $۰,۴۸۰$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. بازتاب و انعکاس جرم و بزه و رفتارهای خشونت‌آمیز از رسانه‌های محلی و اجتماعی موجب می‌گردد شهروندان و ساکنان آن اجتماع دچار ترس و هراس شوند.

- متغیر ساختار نظام خانواده در سطح  $P\text{-Value} = 0,000$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $0,253$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. ساختار خانواده به‌طور کلی به سه حالت استبدادی، بی‌بندوبار و منطقی دسته‌بندی می‌شوند. افرادی که در خانواده منطقی و اقناعی، جامعه‌پذیر شده‌اند، به نسبت به دو گروه دیگر ترس از جرم کم‌تری را تجربه می‌کنند، علت این امر در شبکه قوی اجتماعی و حمایت اجتماعی و تعامل اجتماع بین اعضای خانواده نهفته است.

- متغیر مشاهده جرم در سطح  $P\text{-Value} = 0,000$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $0,279$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. افرادی که جرم را به‌طور مستقیم مشاهده می‌کنند، به تبع ترس از جرم بیشتری را احساس می‌کنند.

- متغیر سبک زندگی انتخابی در سطح  $P\text{-Value} = 0,000$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $0,560$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. نوع سبک زندگی افراد در ترس از جرم تأثیر دارد. سبک زندگی سنتی و مدرن و سایر سبک زندگی، با توجه به الگوهای رفتاری و پوششی که به افراد القا می‌کند، بر سطح ترس از جرم آن‌ها تأثیر می‌گذارد.

- متغیر تعهد مذهبی در سطح  $P\text{-Value} = 0,000$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $0,260$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. افرادی که دارای تعهد مذهبی قوی هستند، ترس از جرم کم‌تری را تجربه می‌کنند.

- متغیر پایگاه اقتصادی-اجتماعی در سطح  $P\text{-Value} = 0,000$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $0,404$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. هرچه پایگاه اجتماعی افراد، بالاتر باشد، ترس از جرم کم‌تری را احساس می‌کنند، علت این امر داشتن مکانیسم پیشگیری و دفاع از خود در برابر جرایم و سکونت در مناطق امن است.

- متغیر پنداشت از جرم در سطح  $P\text{-Value} = 0,000$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $0,252$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. تصور و برداشت از یک محیط و جرایم آن، در ترس از افراد تأثیر می‌گذارد.

- متغیر احساس آسیب پذیری اجتماعی در سطح  $P-Value = 0,000$  دارای تأثیر معناداری بر ترس از جرم بوده و توانسته است  $0,431$  از تغییرات ترس از جرم را تبیین کند. افرادی که آسیب پذیری اجتماعی بالایی دارند، ترس از جرم بیشتری را تجربه خواهند کرد. این اقشار شامل سالخوردگان، معلولان، بزه دیدگان سابق، افراد بی سرپرست، مطلقه، بیوه و گروه های دیگری هستند که چندان از شبکه حمایتی قوی برخوردار نیستند.

### - اندازه اثر کلی ترس از جرم در پژوهش جهانی

ترس از جرم تابعی از متغیرهایی بوده است که آن را تبیین کرده اند، در جدول شماره ۱۲ اندازه اثر کلی متغیرهای مستقل بر وابسته ارائه شده است.

جدول ۷. اندازه اثر کلی ترس از جرم در پژوهش جهانی

اندازه اثر کلی ESrq	حد پایین	حد بالا	Z-Value	P-Value
۰,۵۷۸	۰,۴۰۱	۰,۶۴۱	۷۸,۹۵۴	۰,۰۰۴

نتایج جدول فوق حاکی از این است که مجموع متغیرهای مستقل در سطح معنی داری  $0/000$  و مقدار  $Z=78,954$  دارای اندازه اثر  $0,578$  است.

### - سطح اثرگذاری پژوهش

سطح اثرگذاری متغیرهای مستقل در پژوهش بر ترس از جرم در جدول شماره ۸ ارائه شده است.

جدول ۸. سطح اثرگذاری پژوهش

سطح تأثیرگذاری	سطح اثر	فراوانی	درصد
$d < 0.03$	کم	۵	۲۶,۳۱
$0.03 < d < 0.08$	متوسط	۱۴	۷۳,۶۹
$d > 0.08$	زیاد	۰	۰
جمع	-	۱۹	۱۰۰

بررسی اندازه اثر نشان می‌دهد که ۲۶،۳۱ درصد از متغیرها دارای اثری کم ( $d < 0.03$ ) و ۷۳،۶۹ درصد اثر متوسطی ( $0.03d < 0.08$ ) داشته‌اند و اکثر متغیرهای پژوهش سطح تأثیر متوسطی بر ترس از جرم ( $0.03d < 0.08$ ) داشته است.

### بحث و نتیجه‌گیری

ترس از جرم به احساس ناامنی، دل‌نگرانی و اضطراب نسبت به امور جانی، مالی، روانی و اخلاقی اطلاق می‌شود. ترس، ریشه در ساختار اجتماعی و فرهنگی جامعه دارد و برخاسته از ناهمگونی قومی، مهاجرپذیری اجتماع و وجود محیط ناامن است. همراه با رشد زندگی شهری، افزایش جرایم با کاهش اعتماد اجتماعی و کاهش شعاع ارتباطات و پیوندهای اجتماعی مواجه هستیم. ترس از جرم، در مطالعات جهانی، سابقه طولانی داشته و از دهه ۱۹۴۰ به بعد، در پژوهش‌های جامعه‌شناختی، بازتاب یافته است. اولین مطالعه، ارتباط چندانی با دنیای آکادمیک نداشته، بلکه روزنامه‌ها و ژورنالیست‌ها با هدف سیاسی مرتبط با دولت، در پی انعکاس نارضایتی مردم از وضعیت خدمات و رفاه اجتماعی دولتی بودند، به این دلیل، در بخشی از کارهای خود، به مسأله ترس از جرم پرداخته و برای انعکاس این واقعیت به رسانه و نهادهای دولتی، اولین بار در روزنامه، میزان احساس ناامنی، به‌ویژه ترس از جرم را به‌صورت نظرسنجی در قالب توصیف (فراوانی درصدی)، گزارش دادند. با این حساب، مطالعات علمی صورت‌گرفته، طی این سال‌ها، نشان از توجه ویژه نهادهای اجتماعی به ترس از جرم و ارتباط بین محافل آکادمیک با اجتماع است. ترس از جرم به‌عنوان یک مسأله اجتماعی بیش از ۴۰ سال سابقه تاریخی را در پژوهش‌های اجتماعی طی نموده است. تاریخ بررسی این پدیده نشان می‌دهد که ترس از جرم در آغاز شکل‌گیری خود، صرفاً امری توصیفی بوده و حوزه‌های هیجانی کنشگران را در بر می‌گرفت. به این معنی بیشتر با مفهوم اضطراب، هراس و داشتن دلهره، سنجش و مورد اندازه‌گیری قرار می‌گرفت و این امر بیشتر به‌عنوان مسأله فردی مطرح می‌شد. در اروپا تا پیش از سال ۱۹۶۰ تحقیقی در مورد موضوع ترس از جرم صورت نگرفته و برای اولین بار پس از یک نظرسنجی ملی در اواسط دهه ۶۰ میلادی در خصوص جرم به‌عنوان یک نگرانی ظهور کرد. در آن زمان اولین پژوهش صورت گرفته، با هدف انتقاد به فعالیت رفاهی دولت در زمینه سیاست، فرهنگ و امنیت شهروندان و با این هدف که دولت فاصله زیادی با شهروندان گرفته و نتوانسته است خدمات اجتماعی-رفاهی به جامعه ارائه بدهد، مطرح شد. البته سطح مطالعه‌های بعدی درباره ترس از جرم، در رشته روان‌شناسی، حقوق و علوم اجتماعی صبغه کاملاً متفاوت و جامعی به خود گرفته است. به‌ویژه اکثر مطالعات، به زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی از جمله سبک زندگی، قومیت، طبقه اجتماعی و یا

بهره‌گرفتن از تجارب زیسته به تبیین ترس از جرم پرداختند. از طرف دیگر، اکثر پژوهش‌ها در سطح ملی برای سازمان‌ها و ارگان‌ها صورت گرفته است. اغلب این پژوهش‌ها مسأله گذار توسعه‌ای را در تبیین رخداد جرم و چرایی وقوع احساس ناامنی بیشتر دخیل می‌دانند، به طوری که قدم گذاشتن جامعه اروپایی در نوسازی و تحول فرهنگی شتابان، منجر به جابه‌جایی جمعیتی زیادی شده است، به‌ویژه عدم تعادل میان سیاهان و سفیدان یا به تعبیری مسأله نژادی تا حد زیاد مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این میان، مسأله تعادل قومی، ناهمگونی قومی و طبقه اجتماعی و مدل سبک انتخابی در پژوهش‌های جهانی بازتاب زیاد یافته و در راستای همین مسأله، عدالت فضایی، انسجام، پیوندهای اجتماعی و بزه و نوع مسکن و طبقه اجتماعی را در تبیین مسأله ترس از جرم، بیشتر مورد بررسی قرار داده‌اند.

ترس از جرم، بازتاب نگرش فردی به مسأله امنیت افراد در سطحی رفتاری بررسی شده است. تاریخ تحلیل این پدیده، عبور از تحلیل‌های روان‌شناختی به سمت تحلیل میان رشته‌ای را دارد. روند این پدیده، در پژوهش‌های خارجی سابقه دیرینه داشته و زودتر از کشورهای در حال توسعه، به کنکاش درباره کنش‌های شهروندان پرداختند، علت این امر را می‌توان در اهمیت و جایگاه شهروندان در ارتباط با دولت و سیاست و جامعه مدنی و همچنین، ورود سریع این کشورها به نوسازی و ارجحیت یافتن نظام دانشگاهی و پیوند آن‌ها با صنعت بوده دانست. ترس از جرم و بررسی آن نشان می‌دهد که از بین پاسخ‌گویان، ۴۶ درصد مرد و ۵۴ درصد پاسخ‌گویان زن هستند. سنین افراد مورد بررسی، ۳۰-۲۵ برابر با ۳۲ درصد، ۳۶-۳۱ برابر با ۲۶ درصد، سنین ۴۲-۳۷ برابر با ۳۳ درصد و سنین ۴۳ و بالاتر برابر با ۹ درصد هستند. از بین پاسخ‌گویان ۲۶ درصد متعلق به قوم سیاه‌پوست، ۳۹ درصد سفیدپوست و ۱۵ آسیایی و ۲۰ درصد شامل سایر گروه‌های قومی هستند که تحت عنوان سایر نام‌گذاری شده‌اند. ۷۵ درصد متعلق به دین مسیحی، ۲۵ به گروه مذهبی غیر مسیحی بوده و ۱۲ درصد جرم سرقت، ۲۱ درصد آزار جنسی، ۱۴ درصد تعقیب توسط دیگران، ۱۹ درصد تهدید و اخاذی، ۲۵ درصد مشاهده بزه و جرم و ۹ درصد نیز درگیری و نزاع را تجربه کرده‌اند. همچنین ۲۳ درصد در حمل‌ونقل عمومی نظیر اتوبوس، ۱۸ درصد ایستگاه‌های قطار، ۳۳ درصد در محله و ۲۶ درصد مسافرت بین‌شهری، استانی و منطقه‌ای، جرم را تجربه کرده‌اند. نتایج کلی فراتحلیل پژوهش ترس از جرم در مطالعات جهانی نشان می‌دهد که محل سکونت (۰,۵۰۰)، تعلق و نوع قومیت (۰,۳۱۰)، تعلق جغرافیایی فرهنگی (۰,۷۰۰)، وابستگی مذهبی (۰,۴۱۰)، تجربه قربانی‌شدن (۰,۱۶۰)، ناشناختگی اجتماعی (۰,۴۳۰)، شبکه اجتماعی (۰,۳۱۰)، حمایت اجتماعی (۰,۴۷۰)، اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته (۰,۵۹۰)، رسانه‌ای شدن جرایم (۰,۴۸۰)، ساختار نظام خانواده (۰,۲۵۳)، مشاهده جرم (۰,۲۷۹)، ناهمگنی ساکنان (۰,۲۸۵)، سبک زندگی

انتخابی (۰،۵۶۰)، تعهد مذهبی (۰،۲۶۰)، پایگاه اقتصادی-اجتماعی (۰،۴۰۴)، پنداشت از جرم (۰،۴۲۱)، احساس آسیب-پذیری اجتماعی (۰،۴۳۱) و ناهمگونی نژادی اجتماع (۰،۴۹۱) دارای تأثیر معنی‌داری بر ترس از جرم بوده‌اند و همچنین مجموع این متغیرها ۵۷ درصد از تغییرهای ترس از جرم را تبیین و پیش‌بینی می‌کنند. بر اساس این، باید گفت که نظریه کنترل اجتماعی و همسایگی، بیشتر ترس از جرم را در دو مؤلفه کنترل رسمی (نهادهای قانونی، قضایی، انتظامی و دولتی) یا پلیس بیرونی و کنترل غیررسمی (پیوند محله‌محور، نظارت همسایگی، دید اجتماعی، کنش محوری، شرم و حیا) یا پلیس درونی، تحلیل و تفسیر می‌کند. امنیت اجتماعی تابعی از همراهی دو نظارت رسمی و غیررسمی است، اما اولویت با نظارت غیررسمی است؛ زیرا اگر افراد به‌طور خودجوش خواهان پایداری نظم و امنیت نباشند، عملکرد پلیس و نهادهای دولتی نمی‌تواند نظمی به وجود آورد که بتواند رفاه اجتماعی ساکنان را تأمین کند. به تعبیری، مردم تا وقتی قانون‌گرا هستند که پلیس ناظر و حضور دارد، با نبود پلیس و ایجاد فرصت جرم، ارتکاب بزه و جرم افزایش می‌یابد. در صورتی که در افراد نظارت درونی نهادینه شود، کم‌تر نیاز به نظارت بیرونی بوده و وجود نظارت بیرونی، کمک مهمی به بهتر شدن، امنیت محیطی می‌کند. نظارت بیرونی، توسل به ابزار قانون، ترس و نظارت درونی توسل به اخلاق، هنجار، نوع‌دوستی، همسایه و پیوندهای اجتماعی را در اولویت اساسی قرار می‌دهند. نظریه پیوند همسایگی و کنترل، چگونه ترس از جرم را تبیین می‌کند؟ بر اساس این، اعتماد همسایگی، تعامل بین محله‌ای، تعلق اجتماعی به محیط زندگی، مدت سکونت، زمینه حساسیت و احساس مسؤولیت نسبت به آن اجتماع را ایجاد کرده و کنش‌های جمعی را در برابر جرایم و عوامل مخل امنیت و نظم، سامان‌دهی می‌کند. هرچه دل‌بستگی عاطفی فرد به محیط بیشتر باشد، به همان اندازه، همسایه‌ها، اقوام و آشنایان، برای افراد مهم‌تر شده و مشارکت خود را با آن‌ها بیشتر خواهد کرد. گاهی مدت حضور افراد در یک منطقه، منجر به ایجاد علقه اجتماعی و حس عاطفی می‌گردد. این مهم اجتماعات محلی را برای مبارزه با حضور غریبه‌ها، معتادان و افراد مزاحم ناموسی و اخلاقی، جدی‌تر می‌نماید. از این منظر، یک‌دستی اجتماعی در انسجام بین گروهی و پایدار بودن پیوند و کنترل جمع محور، مؤثر است. به این سبب، اجتماعاتی که در آن ساختار اجتماعی حالتی موزاییکی و قطاعی غیر همگن باشند، نوعی بی‌تفاوتی مدنی و بی‌مسؤولیتی در برابر نظم محیط ایجاد می‌شود، هرچه این غیر همگنی و بی‌تفاوتی و یا کاهش نوع‌دوستی بیشتر باشد، به همان اندازه، حساسیت اجتماعی نسبت به حضور غریبه‌ها، ولگردان، سارقان و اشخاص ناهمگن با گروه کاهش می‌یابد که به آن مرگ روایت همسایگی اطلاق می‌شود. نظریه پنجره شکسته، دو رویکرد بی‌نظمی اجتماعی و بی‌نظمی فیزیکی را در مسأله ترس از جرم بررسی کرده و تا حدی با نظریه فضای قابل دفاع شهری و نظریه بی‌نظمی، هم‌پوشانی دارد، این نظریه، وجود فضای متروکه و بدون نظارت (بعد فیزیکی) را در بی‌نظمی اجتماعی (فراخوانی ولگردان،

معتادان، پناهگاه سارقان، مهاجران غیرقانونی و تبعیدی، افراد طردشده از خانواده و اجتماع) تأثیرگذار تلقی می‌کند. وقتی در اجتماع، چنین فضاهایی دیده شود و نهادهای کنترل‌گر نیز چندان توجهی به آن‌ها نداشته باشند، این فضا پیامی با این محتوا به گروه‌های غیرقانونی می‌فرستد که نظارت اجتماعی در این منطقه نیست و فرصت ارتکاب جرم به دلیل عدم پیگیری قضایی و انتظامی و امکان فرار از مسؤولیت زیاد است. بر اساس این، نوعی گردهمایی برای ولگردان و معتادانی می‌شود که به‌مرور منجر به فرار ساکنان محترم و آبرومند شده و در این حالت افراد ثروتمند آن منطقه ترک گفته و افرادی که دارای پایگاه اقتصادی ضعیف‌تری هستند، در آن محل می‌مانند. به این خاطر، منطقه رفته‌رفته، اجتماعاتی از خرده‌فرهنگ‌هایی متشکل از معتادان، ولگردان، بی‌سرپرستان، مهاجران، کارگران غیرقانونی و قاچاقیان و فروشندگان مواد مخدر می‌گردد که ترس از جرم را در بین ساکنان و محیط اطراف ایجاد می‌کند. همچنین نظریهٔ اثربخشی، ریشه در بی‌سازمانی اجتماعی دارد. همچنین در پیوند کامل با نظریهٔ کنترل جمعی، پیوند همسایگی، نظریهٔ پنجرهٔ شکسته و فضای قابل دفاع شهری است. اثربخشی جمعی حاوی دو مفهوم کلیدی کنترل رسمی و غیررسمی ناشی از پیوندهای اجتماعی است. این نظریه با مفاهیم کلان جامعه‌شناختی نظیر "سرمایهٔ اجتماعی، اعتماد، انسجام، پیوندها، همبستگی، نظارت اجتماعی" در تبیین ترس از جرم بهره می‌گیرد. اثربخشی جمعی بیان می‌کند که دخالت همسایه‌ها، خویشاوندان و اعضای خانواده، نوعی پیوستگی اجتماعی را بازآفرینی می‌کند، هرچه این رویه، بیشتر نهادینه شود، به همان میزان، افراد حاوی پشتوانهٔ عاطفی شده و از سرمایهٔ اجتماعی غنی بهره‌مند می‌شوند. افرادی که دارای اعتماد اجتماعی بالایی هستند، از پیلۀ حفاظتی در برابر ناامنی‌ها برخوردار هستند و به این دلیل، ترس از جرم کم‌تری را تجربه کرده و خود را در برابر آن مقاوم می‌دانند. وقتی اجتماعی اثربخشی جمعی خود را از دست بدهد، با بی‌تفاوتی اجتماعی روبه‌رو خواهد گردید، در این حالت، به دلیل کاهش پیوندهای اجتماعی و از بین رفتن نظارت‌های غیررسمی، احتمال افزایش گروه‌های محل امنیت بیشتر شده و ترس از جرم را در بین ساکنان بیشتر می‌کند.

## منابع

تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم و ریشه‌های شکل‌گیری آن: مروری بر پژوهش‌های بازه زمانی ۲۰۱۰ الی ۲۰۱۷

طاها عشایری، علی میرزاپور

- احمدی، حبیب، و عربی، علی. (۱۳۹۲). بررسی رابطه مصرف رسانه‌های و ترس از جرم (مطالعه موردی: کرج). *مطالعات جامعه‌شناختی شهری*، ۳(۷)، ۲۵-۳۴.
- آزاد ارمکی، تقی، شریفی ساعی، محمدحسین، ایثاری، مریم و طالبی، سحر. (۱۳۹۰). سنخ‌شناسی الگوهای روابط جنسی پیش از ازدواج در ایران. *جامعه‌پژوهشی فرهنگی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۲(۲)، ۱-۳۴.
- باپیری، امیدعلی، کمریگی، خلیل و درویشی، فرزاد. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر میزان احساس امنیت اجتماعی و برخی عوامل مرتبط با آن (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی استان ایلام). *فصل‌نامه فرهنگ ایلام*، ۱۶(۴۶-۴۷)، ۷۵-۹۰.
- چلیپی، مسعود. (۱۳۸۹). *تحلیل نظری و تطبیقی در جامعه‌شناسی*. تهران: نشر نی.
- حسنوند، اسماعیل. (۱۳۹۱). راهبردهای پلیسی کاهش ترس از جرم. *فصل‌نامه علمی-ترویجی کارآگاه*، ۲(۵)، ۲۰.
- حسینی‌نثار، مجید و قاسمی، علی. (۱۳۹۱). بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن در کشور. *چهارمین کنفرانس برنامه‌ریزی و مدیریت شهری*. تهران: سازمان ملی جوانان.
- دیلینی، تیم (۱۳۹۱). *نظریه کلاسیک جامعه‌شناسی (ترجمه بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی)*. تهران: نشر نی.
- ربانی خوراسگانی، رسول و همتی، رضا. (۱۳۸۷). تبیین جامعه‌شناختی ترس از جرم (مطالعه موردی: شهروندان شهر زنجان). *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۱(۲۴)، ۸۹-۱۲۳.
- سیدزاده‌ثانی، مهدی. (۱۳۹۲). ترس از جرم در مشهد. *پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۴(۲)، ۱۱-۲۳.
- صدرنبوی، رامپور، حیدری بیگوند، داریوش، لطفعلی‌پور، محمدرضا و صدیق اورعی، غلامرضا. (۱۳۸۹). بررسی جامعه‌شناختی دلایل پس‌انداز کردن و شیوه‌های آن نزد مردم مشهد به روش رویش نظریه. *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، ۱۲، ۹۶-۱۳۱.
- عباسی اسفجیر، علی‌اصغر، و رحمانی فیروزجاه، علی. (۱۳۸۹). محله‌ها و روابط همسایگی: مکانیسمی ساختاری در ایجاد جرم. *مطالعات علوم اجتماعی ایران*، ۳، ۹۱-۱۱۲.
- عشایری، طاها. (۱۳۹۷). تبیین جامعه‌شناسی ترس از جرم در استان اردبیل، رساله دکتری، علوم انسانی، دانشگاه کاشان، دانشکده علوم اجتماعی.

کوردنر، گری. (۱۳۹۱). *استراتژی‌های پلیسی کاهش ترس از جرم (ترجمه اسماعیل حسنوند و احسان حسنوند)*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

Brantingham, P. L., & Brantingham, P. J. (1990). Situational crime prevention in practice. *Canadian Journal of Criminology*, 32(1), 17–40.

Braungart, M. M., Braungart, R. G., & Hoyer, W. J. (1980). Age, sex, and social factors in fear of crime. *Sociological Focus*, 13(1), 55–66. <https://doi.org/10.1080/00380237.1980.10570360>

Britto, S., Stoddart, D., & Ugwu, J. (2017). Perceptually contemporaneous offenses: Gender and fear of crime among African American university students. *Journal of Ethnicity in Criminal Justice*. <https://doi.org/10.1080/15377938.2017.1354117>

Cashmore, J. (2014). The 'fear of crime-media feedback' cycle. *Internet Journal of Criminology*, ISSN 2045 6743.

Doran, B. J., & Lees, B. G. (2005). Investigating the spatiotemporal links between disorder, crime, and the fear of crime. *The Professional Geographer*, 57(1), 1–12.

Gray, E., Jackson, J., & Farrall, S. (2011). Feelings and functions in the fear of crime. *British Journal of Criminology*, 51(1), 75–94.

Hanley, N., & Ruppance, L. (2015). Understanding the effects of crime on women: Fear and well-being in the context of diverse relationships. *Social Sciences*, 4(2), 27. [www.mdpi.com/journal/socsci](http://www.mdpi.com/journal/socsci)

Hartman, C. (2011). *Factors influencing the fear of victimization* [Master's thesis, Youngstown State University].

Dolan, P., & Peasgood, T. (2007). Estimating the economic and social costs of the fear of crime. *The British Journal of Criminology*, 47(1), 121–132. <https://doi.org/10.1093/bjc/azl015>

Austin, D. M., Furr, L., & Spine, M. (2002). The effects of neighborhood conditions on perceptions of safety. *Journal of Criminal Justice*, 30(5), 417–427.

Heath, L., & Petraitis, J. (1987). Television viewing and fear of crime. In S. J. Ditton & S. Farrall (Eds.) , *The fear of crime* (pp. 77-93). Ashgate.

Blackwell, Wiley, & Hoboken, NJ. (2013). Prediction of crime (issues in measurement). In *Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*.

Hilinski, C. M., Hilinski, K. E., Pentecost Neeson, H., & Andrew, H. (2011). Explaining the fear of crime among college women, in their own words. *The Southwest Journal of Criminal Justice*, 8(1).

Hollway, W., & Jefferson, T. (1997). The risk society in an age of anxiety: situating fear of crime. *British Journal of Sociology*, 48(2), 255–266.

- Andrew, C. (2014). Putting fear of crime on the map: investigating perceptions of crime using geographic information systems. *Cartography and Geographic Information Science*, 42(2), 205–207. <https://doi.org/10.1080/15230406.2015.984914>
- Prieto Curiel, R., & Bishop, S. R. (2018). Fear of crime: The impact of different distributions of victimisation. *Palgrave Communications*, 4, Article 46. <https://doi.org/10.1057/s41599-018-0094-8>
- Hornick, J. P., Burrows, B. A., Tjosvold, I., & Phillips, D. M. (1989). *An evaluation of the neighbourhood foot patrol program of the Edmonton Police Service*. Canadian Research Institute for Law and the Family.
- Carro, D., Valera, S., & Vidal, T. (2010). Perceived insecurity and fear of crime in a city with low crime rates. *Quality & Quantity*, 44(2), 303–314.
- Crowl, J. N., & Battin, J. R. (2016). Fear of crime and the police: Exploring lifestyle and individual determinants among university students. *The Police Journal: Theory, Practice and Principles*, 89(3), 247–262.
- Lane, J., Rader, N. E., Henson, B., Fisher, B. S., & May, D. C. (2014). *Fear of crime in the United States: Causes, consequences, and contradictions*. Carolina Academic Press.
- Lane, J., & Fox, K. A. (2012). Fear of crime among gang and non-gang offenders: Comparing the effects of perpetration, victimization, and neighborhood factors. *Justice Quarterly*, 29(4), 561–587. <https://doi.org/10.1080/07418825.2011.574642>
- Liska, A. E., & Baccaglioni, W. (1990). Feeling safe by comparison. In S. J. Ditton & S. Farrall (Eds.), *The fear of crime* (pp. 23–37). Ashgate.
- Loader, I., Girling, E., & Sparks, R. (1998). Narratives of decline: youth, dis/order and community in an English 'Middletown'. *British Journal of Criminology*, 38(3), 388–403.
- Hollis, M. E., Downey, S., del Carmen, A., & Dobbs, R. R. (2017). The relationship between media portrayals and crime: Perceptions of fear of crime among citizens. *Crime Prevention and Community Safety*, 19(1), 46–60. <https://doi.org/10.1057/s41300-016-0011-y>
- Lorenc, T., Petticrew, M., Whitehead, M., Neary, D., Clayton, S., Wright, K., Thomson, H., Cummins, S., Sowden, A., & Renton, A. (2013). Fear of crime and the environment: systematic review of UK qualitative evidence. *BMC Public Health*, 13, 496. <https://doi.org/10.1186/1471-2458-13-496>
- Lytle, D. J., & Ryan, R. (2016). The effects of police satisfaction on fear of crime in a semirural setting. *Research Article*. (Original work published 2015)
- Matthews, R. (1992). Replacing broken windows: Crime, incivilities and urban.
- Mesch, G. S. (2000). Perceptions of risk, lifestyle activities, and fear of crime. *Deviant Behavior*, 21(1), 1–17. <https://doi.org/10.1080/016396200266379>
- O'Connell, M. (2002). The portrayal of crime in the media. In P. O'Mahony (Ed.), *Criminal Justice in Ireland* (pp. 187-198). Institute of Public Administration.

- Box, S., Hale, C., & Andrews, G. (1988). Explaining fear of crime. *British Journal of Criminology*, 28(4), 340–356.
- Garofalo, J., & Laub, J. (1978). The fear of crime: Broadening our perspective. *Victimology*, 3, 242–253.
- Pain, R. (2000). Place, social relation and the fear of crime: A review. *Progress in Human Geography*, 24(4), 625–634.
- Parker, K. D., & Ray, M. C. (1990). Fear of crime: An assessment of related factors. *Sociological Focus*, 13(1), 84-92. <https://doi.org/10.1080/02732173.1990.9981910>
- Rader, N. (2017). Fear of crime. In *Criminology and criminal justice*. United Nations University.
- Ramsay, M. (1989). *Downtown drinkers: The perceptions and fears of the public in a city centre* (Crime Prevention Unit Paper 19). HMSO.
- Smith, K., & Glanz, L. (1989). Fear of crime among the South African public. *Acta Criminologica: African Journal of Criminology and Victimology*, 2(1), 53–60. <https://doi.org/10.1080/02580144.1989.10432902>
- Stein, R. E. (2014). Neighborhood residents' fear of crime: A tale of three cities. *Sociological Focus*, 47(2), 121–139.
- Vandeviver, U. (2011). Fear of crime in the EU-15 & Hungary: assessing the vulnerability, victimization & incivilities model. *European Society of Criminology, 11th Annual conference, Abstracts*, 329-330.
- Warr, M. (2000). Fear of crime in the United States: Avenues for research and policy. *Criminal Justice*, 4, 451–489.

## Sociological explanation of fear of crime and the roots of its formation: A review of research from 2010 to 2017

Taha Ashayeri\*<sup>۱</sup>, Ali Mirzapour<sup>۲</sup>

**Date Received:**

7 Jan 2026

**Date Accepted:**

15 Apr 2026

**Keywords:**

Fear of crime, social protection, lifestyle, ethnicity, social order

**Abstract**

Fear of crime refers to feelings of insecurity, apprehension, and anxiety regarding criminal, financial, psychological, and moral matters. Fear is rooted in the social and cultural structure of society. This phenomenon arises from ethnic heterogeneity, societal immigration, and the presence of an unsafe environment. Along with the growth of urban life, we observe an increase in crime accompanied by a decrease in social trust and a reduction in the radius of social interactions and ties. Various studies have been conducted on the fear of crime, and this research aims to investigate the sociological causes of the occurrence of fear of crime globally using the meta-analysis method. The research results indicate that place of residence (0.500), ethnic affiliation and type (0.310), cultural geographic affiliation (0.700), religious affiliation (0.410), victimization experience (0.160), social unfamiliarity (0.430), social network (0.310), social support (0.470), generalized social trust (0.590), media coverage of crimes (0.480), family system structure (0.253), witnessing crime (0.279), resident heterogeneity (0.285), chosen lifestyle (0.560), religious commitment (0.260), socio-economic status (0.404), perception of crime (0.421), sense of social vulnerability (0.431), and community racial heterogeneity (0.491) have a significant impact on the fear of crime. Furthermore, the total set of these variables explains 57 percent of the variations in the fear of crime.

<sup>1</sup> Associate Professor of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran (corresponding author). t.ashayeri@uma.ac.ir

<sup>2</sup> Master's student in Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. alimirzapour027@gmail.com